

Criticism of Translation Problems in Ahmad Matar's Poetry¹

نقد مشكلات ترجمه در شعر احمد مطر

Ghaidaa Abdul Zahrah Hadi

University of Baghdad, College of languages, Iraq

م.م. غيداء عبد الزهرة

گروه زبان وادبيات فارسی - دانشکده زبان / دانشگاه بغداد

DOI:10.37648/ijrssh.v13i02.013

Received: 02 March 2023; Accepted: 16 April 2023; Published: 29 April 2023

ABSTRACT

It is no secret to everyone that translation is very important in the exchange of cultures and sciences between different nations and civilizations. Today, it has become a bridge to pass the various sciences of poetry, history and culture from one language to another.

Among the poets whose poetry was important in his translation was Ahmed Matar, whose poems were translated from Arabic into many languages, including Persian. Therefore, criticism of the translation of Ahmed Matar's poems was one of the important topics that must be taken into account in research and studies to show the importance of translation criticism in general, and criticism of translated poems by this poet in particular.

الخلاصة

لا يخفى على الجميع أن الترجمة مهمة جدًا في تبادل الثقافات والعلوم بين مختلف الأمم والحضارات، وأصبحت اليوم جسرًا لتمرير مختلف علوم الشعر والتاريخ والثقافة من لغة إلى أخرى.

ومن بين الشعراء الذين كان شعرهم مهمًا في ترجمته الشاعر أحمد مطر، الذي تُرجمت أشعاره من العربية إلى العديد من اللغات ومن بينها الفارسية. لذلك كان نقد ترجمة قصائد أحمد مطر من الموضوعات المهمة التي يجب مراعاتها في البحوث والدراسات لإظهار أهمية نقد الترجمة بشكل عام، ونقد القصائد المترجمة لهذا الشاعر بشكل خاص.

¹ How to cite the article:

Hadi G.A.Z. (April, 2023); Criticism of Translation Problems in Ahmad Matar's Poetry, *International Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, Apr-Jun 2023, Vol 13, Issue 2, 162-175, DOI: <http://doi.org/10.37648/ijrssh.v13i02.013>

چکیده

بر همگان پوشیده نیست که ترجمه در تبادل فرهنگ ها و علوم بین اقوام و تمدن های مختلف اهمیت زیادی دارد و امروزه پلی شده است برای عبور از علوم مختلف شعر و تاریخ و فرهنگ از یک زبان به یکی دیگر. براین اساس، شعر یکی از فرهنگ هایی شد که برای ترجمه از زبانی به زبان دیگر اهمیت یافت.

از جمله شاعرانی که شعر او در ترجمه او اهمیت داشت شاعر احمد مطر است که اشعار او از عربی به بسیاری از زبان ها از جمله فارسی ترجمه شده است و مانند بقیه علوم که قابل نقد است، ترجمه نیز نقدی بر روش ترجمه دارد. سبک مترجم و توانایی های او با توجه به آنچه که ترجمه کرده است.

براین اساس، نقد ترجمه اشعار احمد مطر یکی از موضوعات مهمی بود که باید در تحقیقات و مطالعات مورد توجه قرار گیرد تا اهمیت نقد ترجمه به طور کلی و نقد اشعار ترجمه شده از زبانی به زبان دیگر نشان داده شود.

کلید واژه ها: معنی ترجمه در لغت و اصطلاح، نقش مترجم، انواع ترجمه از نظر نوع و کیفیت، نقد ترجمه و مشکلات آن، نقد ترجمه در اشعار احمد مطر.

زندگی نامه احمد مطر

احمد مطر شاعر عراقی متولد سال 1954 در روستای التومه یکی از نواحی شط العرب بصره، چهارمین پسر از ده برادر دختر و پسر است و در آنجا زندگی می کرد. فرزندش، قبل از اینکه خانواده اش در دوران جوانی کوچ کنند، در خانه ای آن سوی رودخانه در محله الاصمعی زندگی کنند.

احمد مطر در شهر بصره در منطقه التومه به دنیا آمد، و تأثیر آشکاری بر او گذاشت و در ابتدای تأسیس در محله «الومب» با اشاره به نام شرکت انگلیسی سازنده. خانه های آن، و شاید خنده دار باشد که بگوییم احمد مطر اغلب با اشاره به نام مکان در بریتانیا می گفت: «از الومبی تا لومبلی» و احمد تحصیلات خود را در مدرسه ابتدایی در العدنانه به پایان رساند. و به دلیل شدت فقر و محرومیت بر او تصمیم گرفت سبک زندگی خود را تغییر دهد، شاید مایه تسکینی و رهایی از آن محرومیت باشد. احمد مطر در چهارده سالگی شعر گفتن را آغاز کرد و اولین شعرهای او از محدوده ریبی و عاشقانه فراتر نمی رفت و در مورد استعداد او در شعر، در اولین شعری که در شعر سوم سروده بود، ظاهر شد. کلاس راهنمایی و هفده بیت بود. و طبیعی است که بیرون نمی آید این شعر در مورد دامنه ریسندگی و شیفتگی است که در بین مردم رایج و آشناست برای پسری که از زمانی که متوجه شد متوجه شد که شعر معنایی جز شور، شیفتگی، اشک و بی خوابی ندارد. (مطر، 2008: 5)

او در کویت در روزنامه القبس به عنوان سردبیر فرهنگی و همچنین به عنوان معلم برای کلاسهای ابتدایی در یک مدرسه خصوصی مشغول به کار شد و در آن زمان در اواسط بیست سالگی بود و در آنجا به نوشتن اشعار خود ادامه داد. که به خود گرفت تا از یک موضوع فراتر نرود، حتی اگر کل شعر در یک خانه آمده باشد. او شروع به احتکار این اشعار کرد که گویی

دفتر خاطرات خود را در دفتر خاطرات شخصی خود می نویسد، اما به زودی به انتشار رسیدند. القبس سوراخی بود که او سرش را از آن بیرون کشید، شروع شعر انتحاری خود را برکت داد، بنرهایش را بدون ثبت نام برد. ترس، وبه انتشار آن در بین خوانندگان کمک کرد.

احمد مطر در سال 1986 به دلیل عدم انحراف از اصول ومواضع خود وامتناع از کاهش شدت اشعارش که در «القبس» منتشر می کرد، به لندن نقل مکان کرد، چیزی که کویت آن را دوست نداشت. منطقه در حال گذراندن یک جنگ سخت بود، اما او همچنان در دفاتر القبس بین الملل کار می کرد واحمد مطر از لندن به تونس رفت تا با نویسندگان ونویسندگان ارتباط بر قرار کند، بنابر این در یک کاروان به لندن بازگشت تا یک قبس بین المللی پر تاب کند. سفر کند ودر آنجا دور از وطن ساکن شود. (مطر، 2008: 6)

مروری بر آثار ترجمه شده احمد مطر در زبان فارسی

شکی نیست که شعر یکی از دلایل جاودانه ماندن صاحب آن در طول سالیان دراز است، وموضوع فقط به کشور او محدود نمی شود، بلکه نفوذ او از مرزهای کشور فراتر می رود وبه نقاط دور دست می رسد. از جمله این شاعرانی که توانسته به کشورهای دیگر راه یابد، شاعر احمد مطر است. چیزی که به او کمک کرد ترجمه بود وترجمه آثار شعری او باعث شد که شعرش به کشورهای دیگر برسد، از جمله زبان های که شعر او به آن ترجمه شده، زبان فارسی است، به طوریکه شعر او مورد مطالعه وتوجه محققان، پژوهشگران ومترجمان قرار می گیرد.

وچون امید ملتی قیام یافته به امید آزادی واستقلال وآرزوی دانش وسعدت پس از دوران طولانی جهل وفقر وتوسعه نیافتگی را با خود داشت، بنابر این ادبیات این شاعر را ادبیات زنده می دانند. (بصری، ۱۹۹۹: ۲۵)

دوران کودکی احمد مطر واولین مرحله در شکلگیری شخصیت او محیطی تجملاتی وسطح بالا نبود، بلکه محیط محرومیت وفقر بود.

او فقط توانست در مراحل اول در مدرسه را به پایان برساند، این امر او را وادار کرد که برای ساختن فرهنگ وغنای شعری خود به کتاب خواندن ومطالعه روی آورد.

وپس از اینکه شاعر سیاسی شورشی علیه رژیم شد، مجبور شد کشور را ترک کند وبه عنوان پناهنده به کویت برود تا شعرش در تمام کشورهای دیگر شنیده شود. (غنیم، ۱۹۹۸: ۵۳)

همه این عوامل به غنی سازی این آثار باستانی وترجمه آنها به بیش از یک زبان غیر از عربی از جمله فارسی کمک کرد. این شاعر متعهد تا کنون تالیفات متعددی به رشته تحریر در آورده زیرا به دلیل مسائل سیاسی چاپ آنها در غالب کشورهای عربی ممنوع است واثارش از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. (معروف، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

احمد مطر شاعر متعهد است که نمی تواند دکان چند سو باز کند تا اجناس هزار و یک مدل خود را بارز ورقهای و ماه و مدح و فخر بسراید. (شجوری، ۱۹۸۷: ۵۵۵)

او با گذرنامه «لافتات» به کشور دلها مسافر می کند ودولتی به نام دولت شعر ان را برایش صادر کرده است، در حال حاضر مجموعه اشعار خود که منتشر کرده شامل هفت دیوان «لافتات» (پلاکاردها) که به ترتیب در چند سال متتابع است. لافتات ۱۹۸۴/لافتات ۱۹۸۷/لافتات ۱۹۸۹/لافتات ۱۹۹۲/لافتات ۱۹۹۴/لافتات ۱۹۹۶/لافتات ۱۹۹۹ سروده شده است. (مطر، ۲۰۰۱: ۵)

وچهار مجموعه کوتاه به نام (انی المشنوق اعلاه) = (من به دار اویخته شده ام) در سال ۹۸۹، (دیوان الساعة) = (دیوان ساعت) در سال ۱۹۸۹، (وما اصعب الکلام رثاء ناجي العلي) = (چه دشوار است سخن در رثای ناجی العلی)، (العشاء الاخير لصاحب الجلالة ابلیس الاول) = (شام اخر والا حضرت ابلیس اول) که به صورت شعر سنتی با ساختار عموده سروده است. (حسینی، ۱۳۶۷: ۳۲)

معنی ترجمه در لغت واصطلاح

ترجمه در لغت: بیان کلامی از زبانی به زبان دیگر غیر از آن بر گردان نقل، بیوگرافی، گزارش است. (بیهقی، ۱۳۷۱: ۹۱)

ترجمه در اصطلاح: تبدیل یک متن از زبان مبدا به زبان مقصد است و ترجمه یک واز علوم انسانی و مهمترین علوم های که از گذشته وجود دارد. (حدادی، ۱۳۸۴: ۷)

نقش مترجم

همه می دانند که هر نویسنده ای سبکی خاص دارد. آنچه سبکی را از سبکی دیگر متمایز می کند، تفاوت نویسنده ها در انتخاب ساختارها و کلمات و ترکیبات و واژگان است. گاه سبک نویسنده ای را به دلیل ویژگی های بارز زبانی آن می توان به سادگی تشخیص داد، ولی گاه تشخیص سبک به سادگی ممکن نیست. در هر حال هیچ گاه دو نویسنده، کاملاً شبیه هم نمی نویسند، چون سبک انعکاسی از مجموعه ای از عادات، اعتقادات، سلیقه، دانش و توانایی ها و تجربیات زبانی نویسنده است. این مجموعه را که برخی عناصر آن شخصی و برخی دیگر از محیط اجتماعی و فرهنگی و حرفه ای نویسنده، نشات می گیرد. و مشکل از آنجا پیدا می شود که مترجم می خواهد، سبک متن اصلی را که جزئی تفکیک ناپذیر از متن اصلی است، به زبانی دیگر ترجمه کند. این مشکل از دو اصل نشات می گیرد که صحت این قضایا را در اینجا بدیهی فرض می کنیم (جواری، محمد حسین، ۱۳۷۸: ۹۵)؛ زیرا:

- اصل اول:

مترجم هم نوعی نویسنده است و لذا صاحب سبک ویژه خود است. به عبارت دیگر، مترجم هم در انتخاب کلمات و ساختارهای نوشته اش، سلیقه، دانش، عارات و معیارها و تجربه های شخصی و حرفه ای ویژه ای دارد که ممکن است با سبک نویسنده همخوانی نداشته باشد.

- اصل دوم:

ترجمه متن زمانی معادل اصل اثر است که اصل و ترجمه از حیث سبک یکسان باشند. برخی معتقدند، « اگر سبک در ترجمه از دست برود، نویسنده نیز از دست می رود... آن چه باقی می ماند. مثنی فکر است که ممکن است، جالب باشد یا نباشد، اما هر چه هست، نویسنده نیست». (پارگز، 2007: 50) بعضی دیگر نیز می گویند: « در گذشته ترجمه را کاری غیر اصیل می دانستند نه کاری خلاق. در نتیجه درست نمی دانستند که مترجم، ترجمه را به سبک خود بنویسد. انتظار داشتند مترجم دقیقاً از سبک نویسنده پیروی کند». (بیکر، 2000: 304)

شیوه و روشی است که مترجم به هنگام ترجمه متون ادبی از فرهنگ و زبان مبدأ به فرهنگ و زبان مقصد به کار می بندد و منظور از ویژگی ها، مشخصه های ظاهری یک متن ادبی است که عامل مهمی برای تمایز متن ادبی از سایر متن ها محسوب می شود. در واقع، بر اساس تعریف جدیدی که در قرن نوزدهم از ادبیات و متون ادبی ارائه شد، هر متنی را نمی توان متن ادبی منظور کرد؛ زیرا اصولاً هر متنی از کیفیات و ویژگی های یک متن ادبی برخوردار نیست. این ویژگی ها و مشخصه ها که اصطلاحاً تحت عنوان کیفیت ادبی نام گرفته اند، ریشه در زبان و فرهنگ یک ملت دارند و در مشخصه هایی از قبیل قافیه و ردیف، بلاغت، آهنگ کلام، خلاقیت در فرم و مسامحه در رعایت اصول و قواعد رایج زبانی نمود می یابند. بر این اساس، وشی که مترجم غالباً در برخورد با مشخصه های ادبی یک متن اتخاذ می کند، به میزان زیاد متأثر از تشابهات و تفاوت هایی است که بین نظام ادبیات مبدأ و مقصد وجود دارد، به گونه ای که مترجم گاه به سمت انتقال و نمود کیفیت ادبی متن مبدأ در متن ترجمه شده و گاه به سمت حذف و تغییر کامل آن رهنمون می شود.

از آنجا که مترجم، به واسطه نقش خود، همواره به درجات مختلف در پس ترجمه یک متن ادبی حضور دارد آنچه که تحت عنوان ترجمه در اختیار خواننده قرار می گیرد، تماماً منطبق با متن اصلی نیست و در واقع بخشی از آن به برداشت مترجم از متن و تغییراتی بر می گردد که وی در حین ترجمه در متن مقصد خلق کرده است. از این رو، خواندن ترجمه یک متن ادبی همانند دیدن یک اثر هنری است. به عنوان مثال همانطور که تماشاگر با دیدن صحنه دیدن یک تشر هنری نمایشنامه به گونه ای رفتار می کند که گویی صحنه های نمایشنامه به واقع گوشه هایی از زندگی واقعی جامعه هستند، رفتار خواننده نیز با متن ترجمه شده به همین شکل است.

انواع ترجمه از نظر نوع و کیفیت

به طور کلی برشی از زنجیره مورد ترجمه که از سوی مترجم به عنوان واحدی برای معادل یابی در نظر گرفته می شود، واحد ترجمه نام دارد. واحد ترجمه می تواند واژه، جمله یا عبارت باشد. بدین ترتیب ترجمه بر حسب واحد برگزیده دادای سه شکل زیر است:

الف) ترجمه تحت اللفظی

در این نوع ترجمه مترجم به علت وسواس شدید در وفاداری به متن می کوشد که در برابر هر کلمه ای از متن در زبان مبدأ، کلمه معادل آن را در زبان مقصد قرار دهد. در چنین ترجمه ای ترکیب جمله بندی در با ترکیب هارجی آن فرق دارد. جمله ها ناخوشایند و اغلب غیر گویا هستند. بنابراین قادر به انتقال فکر مويسنده نیستند. (حجازی، 1385: 185-186) البته باید توجه داشت که این نوع ترجمه برای برگردان واژه های مرکب یا بسیاری از شیع جمله ها که معادلی برای آن در زبان مقصد موجود نیست مناسب است. ساخت زبان مبدأ در این شرایط به زبان مقصد تحمیل می شود. (صفوی، 1392: 14) و ترجمه تحت اللفظ گاه موجب بروز مشکلاتی برای غم مطالب و پذیرش ترجمه از سوی مخاطبان جامعه زبانی مقصد است.

سبک متن اصلی را نمی توان با ترجمه لفظ به لفظ به سبکی معادل تبدیل کرد. این نکته مغالطه سبکی است. برخی مترجمان ادبی در پاسخ به این پرسش که چرا ترجمه های آنها سبکی دشوار دارد، می گویند برای این که به اثر وفادار بمانند، از سبک نویسنده پیروی کرده اند و کوشیده اند، آن سبک را به ترجمه منتقل کنند و از خود سبکی خلق نکنند. این استدلال در نظر اول استدلال درست و قانع کننده ای است؛ ولی اگر سبک متن اصلی است، چپرا تأثیری که این دو سبک بر خواننده های « برگردان دقیق» ترجمه خود دارند، متفاوت است. چرا سبک ویرجینیا وولفریال سبکی پیچیده ولی زیباست، اما سبک او در ترجمه، سبکی پیچیده ولی نازیباست. در توضیح مطلب فوق، باید گفت که زبان ها ساختارهای یکسانی از توانایی های بیانی یکسانی ندارند. (ونوتی، 1995: 102)

ب) ترجمه آزاد

در این نوع ترجمه، مترجم ابتدا کتاب یا واحد مورد ترجمه را به طور کامل می خواند، سپس آنچه را که از نوشته درک کرده، به سلیقه و انشای خود بر صفحه کاغذ می آورد. این ترجمه را از این نظر آزاد می خوانند که مترجم خود را مقید به این نمی داند که هر جمله ای از ترجمه اش در برابر جمله ای از متن قرار بگیرد و منعکس کننده فکر نویسنده باشد. از آنجا که این نوع ترجمه منعکس کننده فکر کلی نویسنده است، بی آنکه ریزه کاری هایشیرین و شرح و تفصیل ها یا بر عکس ایجاز گویی های نویسنده در آن وارد شده باشد، اغلب یا مبسوط تر یا بالعکس کوتاه تر و مختصرتر خواهد بود و پیداست که چنین ترجمه ای از وفاداری به متن اصلی دور است. (حجازی، 1385: 187)

ج) ترجمه هنری

در این نوع ترجمه، مترجم جمله به جمله نوشته متن اصلی را در نظر می گیرد و هر جمله را در نظر گرفتن معنا و مفهوم واژه هایی که در آن به کار رفته از قالب اصلی آن در می آورد و در قالب صحیح می ریزد؛ چنانکه جمله شکل و قالب دیگر نداشته باشد و شرایط ترجمه خوب نیز رعایت شود. (حجازی، 1385: 187)

ترجمه متن ادبی

ترجمه، هنر است؛ زیرا با زبان سر و کار دارد و در کاربرد یک زبان جای ابتکار، خلاقیت، زیبایی و انتقال احساس در میان است و نیز پای هنر به میان می آید. بنابراین ترجمه، هنر خلاقیت و هنر زیبایی است. اما متن ادبی، مجموعه ای از ایده ها، رویدادها، شخصیت ها و معانی تعریف می شود که به روشی جدید و بدیع و متناسب با دیدگاه نویسنده ارائه می شود. همچنین بر اساس ادراکات او است که آن را با استفاده از تخیل احساسی و فصاحت خود ترسیم می کند تا دیدگاه خود به طور واضح و خاص بیان می کند، علاوه بر تأثیر گذاری بر گیرنده و ترغیب او به پذیرش این ایده است.

در یک متن ادبی، یک مترجم خوب، با توجه به اثر، گاه مجبور می شود متن یا کتاب را بارها و بارها بخواند تا پی به مقصود نویسنده ببرد؛ زیرا نویسنده اثری خلق کرده و مترجم باید قدرت خلاقه را درک کرده، حس کرده و باز آفرینی کند تا خود نیز در دام مجهول نیفتد. لازم است نویسنده یا مؤلف برای آشکار ساختن معنای مورد نظر، روابطی را در اثر خود با خواننده ایجاد کند. (حسام پور، 1389: 105)

همچنین ترجمه متون ادبی به دلیل طبیعت خاص آنها، همواره امری دشوار بوده است. از دیدگاه کلی متون ادبی دارای دو خصلت بازنند که آنها را از سایر متون متمایز ساخته است. « اول آنکه زبان آنها از احکام زیبایی شناختی پیروی می کند». و دیگر آنکه « متون ادبی از لحاظ طیف موضوع در عمل، کرانی ندارند». (حدادی، 1370: 158)

بنابراین توجه به نکات زیر در ترجمه ادبی ضروری است:

- در ترجمه از زبان واسطه، کار یک مترجم مسلط و آگاه به فرهنگ کشور مبدأ، به مراتب از مترجمی که تنها زبان می داند و اطلاعات تاریخی یا فرهنگی ضعیفی دارد، بهتر است.
- در کل، یک ترجمه خوب، حاصل سپردن متن تخصصی به متخصص آن است. متن مهندسی ذریبط، متون پزشکی به پزشکان و آشنایان با سیطره این علوم، متون قضایی به آشنایان علم قضایی و متون ادبی نیز از همین دست، به کسانی که علاوه بر زبان، مکاتب ادبی، تحلیل ادبی و... و در کل ادبیات می دانند، باید واگذار گردد.
- بهتر است در رشته های مختلف، به جای صرفا کارهای اجرایی، زمانی را به ترجمه اختصاص دهند. (شبییری، 1387: 125)

تفاوت ترجمه متن ادبی و غیر ادبی

مروری بر ترجمه های ادبیات نشان می دهد انتخاب کتابها برای ترجمه، ابتدا بر اساس هدف های آموزشی و تربیتی صورت گرفته است. البته باید توجه داشت که « اهداف ترجمه برای همه مردم طیف وسیعی را در بر می گرفتند که از میان آنها می توان به باورهای اجتماعی و سرگرمی و تربیت اخلاقی را نام برد. همین امر سبب ایجاد تنوع در انتشارات ادبیات شده است (Lethy, 2010:111).»

اما آشنایی با آثار فرهنگی، هنری، علمی، اجتماعی و سایر دستاوردهای مثل دیگر، یکی از نیازهای اساسی جامعه محسوب می شود که ترجمه عامل انتقال آنهاست و علاوه بر ایجاد تعامل بین ملتها، این ویژگی کاربردی را دارد که جامعه را از "تک ذهنی بودن" و اتکای صرف به توانمندی های یک سویه و بومی باز دارد و آن را با یک روند "چند ذهنی" پر شتاب، از گرفتار شدن و فرورفتن در ورطه های عارض شده نجات دهد. (پارسایی، 1387: 17)

در ترجمه غیر ادبی، نویسنده سبک نوشتاری خاصی ارائه نمی دهد. لذا مطلب در ترجمه دستخوش جوش نمی شود. اما در ادبیات تقریباً هر نویسنده سبک خاص خود را دارد. از همین روست که در ایران با نپرداختن به اسلوب صحیح در ترجمه های ادبی، بسیاری از نویسندگان متفاوت جهان، قلم مشابهی با هم در ترجمه پیدا می کنند که این خود از اشکالات ترجمه است. (شیری، 1387: 122)

نویسنده در متن علمی، نه فضا سازی می کند، نه احساس را در متن دخیل می کند و نه به طرح مسئله ای می پردازد که باید به سبکی روایت شود، نه تصمیم به نوعی بازی با ذهن خواننده دارد، نه از صنایع ادبی، اصطلاحات و خصوصیات بسیار دیگر مربوط به یک متن ادبی استفاده می کند. بارها و بارها را متن تا ندارد نیازی مترجم و است خطی فنی، علمی متن یک ترجمه سیر بخواند تا پی به مقصود نویسنده ببرد، زیرا نه اعضای بدن را میازی به استعاره و کنایه و ابهام است، نه قطعات یک دستگاه را حسی برای با آفرینی در طول و عرض زمان. (همان: 123) در کل یک متن علمی و فنی فاقد خصوصیات یک متن ادبی است، هر چند ادبیات خاص خود را دارد.

ترجمه متون ادبی و غیر ادبی از این پس، در مرحله ویرایش، با هم همگام می شوند. در صورتی که مترجم در زبان مادری، تسلط به پهنه نوشتاری خود نداشته باشد، وجود ویراستار مسلط بسیار به اصلاح متن مانده کمک می کند. مسأله دیگر در باب تفاوتها، ترجمه از زبان واسطه است. این طبیعی است که یک مبحث علمی در ترجمه از زبان واسطه آسیب نبیند، اما در متن ادبی و در صورتی که مترجم اول تسلط کافی نداشته باشد، این نقیصه در ترجمه دوم به راحتی نمایان می شود. (همان، 124)

نقد ترجمه و مشکلات آن

ارزیابی، تفسیر و تبیین آثار ترجمه شده در جنبه های مختلف آن و در تمامی رشته ها و مقاطع تحصیلی است که از نظر نقد ادبی و نظریه ترجمه با نقد ترجمه مرتبط است.

هدف نقد ترجمه وظایف بسیاری از جمله ارزیابی متن ترجمه شده، تعیین معیارهای آثار ترجمه شده است، یکی از مهمترین اهداف نقد ترجمه، افزایش آگاهی نسبت به اهمیت ترجمه و بررسی مترجمان و عملکرد آنها در ترجمه است. (سجودی، ۱۳۹۰: ۹۰)

وظیفه منتقد ترجمه را کشف رابطه بین سبک زمانه، سبک مترجم و سبک نویسنده می داند.

در صورت وجود همبستگی و ارتباط میان این سه متغیر می توان مترجم را مترجمی موفق نامید. (سیمپسون، ۱۹۹۸: ۱۵)

منتقدان ترجمه باید مدنظر قرار دهند و تعیین و تشخیص ثبات مترجم در روش ها، راه بردها و کاربرد آنها ست، این امر نشان دهنده میزان تجربیات مترجم در حل مشکلات خویش و عبور موفقیت آمیز وی در تنگناهای زبانی است، منتقد باید بر اساس ترکیب های زبانی مقصد، تصمیمات ترکیبات و انتخاب های مترجم را بررسی و تجزیه و تحلیل گروه و با گزینه های نویسنده زبان مبدا مقایسه می کند. (صفوی، ۱۳۸۲: ۸)

مشکل مهمی که در زمینه کیفیت ترجمه وجود دارد، آن است که به طور نسبی، تعداد اندکی از کتابهای ادبی در زمینه ترجمه، توجهی جدی بر می انگیزند، هزینه ها نیز با اهمیت اند، ترجمه ها پر خرج اند و با آن که به ندرت درباره هزینه ترجمه های علمی، نظری ابراز می شود، عدم درک واقعی و میزان کشش بازار ترجمه ادبیات، به ناشران اخطار می دهد که احتمال دارد بازگشت مناسبی از سرمایه خرج شده، به دست نیاید. همچنین در سالهای اخیر هزینه های سر سامآور ترجمه و کاغذ چون مانعی بر سر راه افزایش تعداد ترجمه ها عمل کرده است. (ملک یاری، ۱۳۹۰: ۱۰۵)

نقد ترجمه در اشعار احمد مطر

طبیعتاً و به دلایل بسیاری احمد مطر و شعر او منبع تحقیق و مطالعه شده است و شعر او از عربی به زبان های دیگر از جمله فارسی ترجمه می شود.

به دلیل سبک های شعری احمد مطر، میان ایراد، شعر سیاسی و دلتنگی برای وطنش، اشعار شعر او سرشار از واژگان و جملاتی است که ممکن است برای مترجم تا حدودی دشوار باشد.

در میان بسیاری از ترجمه های شعر احمد مطر به فارسی، چیزی بر آن پوشیده نمانده و یا به دلیل گذار از زبانی به زبان دیگر محو نشده است.

چراکه ترجمه شعر یکی از مهم ترین بخش های ترجمه و یکی از علائق اصلی آن است.

و چون آنچه شعر احمد مطر را از نظر واژگان متمایز و مضامین منحصر به فرد از دیگران متمایز می کرد. (سجودی،

3:1387)

مترجم در ترجمه شعر باید شناخت کاملی از ساختار شعری و شناخت متن شعر داشته باشد و این نکته نباید مورد غفلت قرار گیرد.

او باید از طریق دانش کامل خود به واژگان تسلط یابد تا جایگزین های مناسبی پیدا کند که گویی نویسنده است. (نجفی، ۱۳۶۱: ۱۴)

در ترجمه شعر وبه ویژه اشعار احمد مطر باید عناصری از ترجمه وجود داشته باشد که باید به آنها توجه شود.

تلفظ

تلفظ یکی از عناصری است که بخشی از هویت شعری متن شعری را تشکیل می دهد و تلفظ معنایی است که برای شعر، موسیقی شاعرانه، احساس درون متن و تخیل شاعر در نظر گرفته شده است که در ترجمه متن شعری همه اینها باید حفظ شود.

زیرا با آگاهی مترجم از آنها، معنای متن شعری قابل درک است و آن انتخاب واژگان مناسب وواژه صحیح ودرج آن در متن شعری ترجمه شده است. (خانلری، ۱۳۸۵: ۳۹)

اثان لا سواکما، والارض ملک لکما

لو سار کل منکما بخطوه الطویل لما التفت خطاکما الاخلال جیل

فکیف ضاقت بکما فکنتما القاتل والقتیل

قابییل ... یا قابییل (مطر ۱۹۹۶: ۲۵)

ترجمه این شعر

(دو نفر هستید ونه بیشتر، زمین ملک مطلق شماست؛

اگر هو کدام از شما یا گامهای بلند بروی زمین راه برود، گامهایتان بعد از گذشت يك نسل به هم می رسد

چه طور زمین بر شما تنگ امد وقاتل ومقتول شدید

قابییل .. یا قابییل)

در این متن شعری وسبک ترجمه، بسیاری از کاربردهای شعری برای شاعر وامکان مترجم در زمان تسلط بر ترجمه، اشکال موجود بینامتنی، واژگان وگفته های موجود در شعر روشن شده است.

معنی

بدون شک معنا مهمترین عنصر در ترجمه است که باید با در نظر گرفتن حفظ آن وعدم تغییر آن از زبان اصلی به زبان دیگر منتقل شود.

این امر ناشی از هرگونه توجه به انتقال معنا از زبانی به زبان دیگر بر اساس واژگان وگفته ها وکلماتی است که مترجم در اختیار دارد وبه خاطر سپردن به او کمک می کند تا با انتخاب نوع کلمه معنا را هنگام ترجمه آن را اصلاح کند. مناسب در

جای خود. (گنترلر، ۱۳۸۰: ۱۲۲)

هرينا نحو بيت الله منكم
فاذا في البيت بيت ابيض
واذا اخر دعوانا سلاح ابيض
هدنا اليأس

وفات الغرض (مطر، ١٩٨٩، ٣ / ٨٩)

ترجمهٔ این شعر

(از دست شما به خانه خدا فرار کردیم
ناگهای کاخ سفیدی را در خانه خدا دیدیم
در آن حال آخرین در خواستمان سلاح سردی بودی
نامیدی ما را از پای در آورد)

او در خانه شعر برای تبیین پرونده شعری خود از بینامتنیت از آیات قرآن وواژگان سیاسی استفاده کرد، از جمله خطاب به حاکمان وطبقة سیاسی است.

وهمچنین در گنجاندن شعر او دگرگونی در اصطلاح وواژگان، واین چیزی است که مترجم به خوبی انجام داده است.(مرادی، ١٣٩٣: ٢٣٤)

خیال

تخیل بخشی از شعر گفتن است وتخیل شاعر بر وزن وقافیه شعرش استوار است واین امر یعنی تخیل محور تسلط شاعر بر نوشته خود است.

گاهی برخی ممکن است کمی رئالیسم را به عنوان جدایی بین داستان در شعر اضافه کنند.(شفیعی، ١٣٨٠: ١٢٦)

كل ما في بلدتي
يملا قلبي بالكمد
بلدتي غربة روح وجسد
غربة من غير حسد
غربة فيها ملايين
وما فيها احد (مطر، ٢٠٠٨، ٤٨)

ترجمهٔ این شعر

(هرچیزی در سر زمینم قلبم را اکنده از درد می کند؛ سر زمینم جسم غربت روح وتن است غربتی بی حسد و مرز که در ظاهر میلیون ها نفر در ان حضور دارند اما در واقع يك نفر وجود ندارد)

با وجود تخیل گسترده در متن شاعرانه، مترجم به دلیل دشواری تخیل و واژگان قادر به استفاده از همه جایگزین ها نبود. همچنین وجود چند واژه عربی که در فارسی یکسان است و همین امر باعث شد که با وجود باقی ماندن برخی از واژه‌های عربی در متن شعر، پس از ترجمه، معنا پیدا کند.

دلیل این امر سلیقه مترجم و دستکاری وی در واژگان بود

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت ترجمه شعر از زبانی به زبان دیگر به طور خاص و ترجمه به طور عام، این تحقیق برای روشن شدن نقد ترجمه و مترجمان و روش آنها در ترجمه اشعار احمد مطر شاعر عراقی انجام شد.

شیوه های ترجمه با توجه به متون و مضامین مختلف شعری که در اشعار احمد مطر یافت می شود، متفاوت بوده، برخی از آنها سیاسی و مذهبی است و بینامتنیتی در آن وجود ندارد، چه از ضرب المثل ها و چه از روی آیات قرانی.

این تفاوت همان چیزی است که مترجم را در حین ترجمه با چالش و دشواری مواجه می کند، اما این به توانایی مترجم و مهارت او در ترجمه و حفظ متون از تغییر بستگی دارد.

منابع

- 1) بصری، میر، (1999)، اعلام الادب في العراق الحديث، لندن: دار الحكمة.
- 2) بیهقی، (1375)، تاریخ بیهقی، تهران: نشر مرکز.
- 3) حدادی، محمود، (۱۳۸۴)، مبانی ترجمه، تهران: انتشارات راهنما.
- 4) حسینی، حسن، (۱۳۶۷)، احمد مطر شاعر خنده های تلخ، تهران: مجله کیهان فرهنگی، شماره ۴۹
- 5) خانلری، پرویز نائل، (1385)، ترجمه شعر، چ 1، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- 6) سجودی، فرزانه، (1387)، نقد ترجمه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعه ترجمه، شماره 6.
- 7) سجودی، فرزانه و دیگران، (۱۳۹۰)، بررسی و نقد ترجمه بین زبانی و ترجمه بین نشانه ای، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۴.
- 8) سیمپسون، ای، (۱۹۹۸)، روش شناسی در نقد ترجمه، چاپ دوم، شماره ۴.
- 9) شحوری، رؤوف، (۱۹۸۷)، شاعر الانتحاری، مجله الوطن، العدد ۲۹.

- (10) كدكنی، محمد رضا شفیعی، (1380)، شعر معاصر عرب، چ1، تهران: انتشارات سخن.
- (11) صفوی، کورش، (1382)، طرح چند ملك درون زبانی در نقد نظام ترجمه (بررسی از معیارهای دیوار پیوندی در سیستماتیک)، مجله پژوهشی زبان خارجی، شماره 51.
- (12) غنیم، کمال احمد، (1998)، عناصر الابداع الفتي في شعر احمد مطر، مصر: مكتبة مدبولي .
- (13) گنتز، ادوین، (1380)، نظریه های ترجمه در عصر حاضر، ترجمه: علی صلح، چ1، تهران: انتشارات هرمس.
- (14) مرادی، مقدم، ومصطفی قنصولی، (1391)، تطبیق ویژگی های متنی وفرامتنی در اقتباس بررسی موردی رمان غرور و تعصب)، فصلنامه پژوهشهای زبان و ادبیات تطبیقی، شماره 4.
- (15) مطر، احمد، (1989)، لافتات2، ط1، لندن: دار الحکمة.
- (16)، (2008)، الاعمال الشعرية الكاملة، لندن: دار المحبین.
- (17)، (2001)، الاعمال الشعرية الكاملة، لندن: دار الحکمة.
- (18) معروف، دکتر یحیی، (1390)، نقد و بررسی وامگیری قرآنی در شعر احمد مطر، نشریات مجله زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، شماره چهارم.
- (19) نجفی، أبو الحسن، (1361)، مسئله امانت در ترجمه، ماهنامه نشر دانش، سال سوم، شماره 1.

Financial support and sponsorship: Nil

Conflict of Interest: None

REFERENCES

1. Bosra, Mir, (1999), *Flags of Literature in Modern Iraq*, London: Dar Al-Hikma.
2. Bayhaqi, (1375), *The History of Baihaqi*, Tehran: Center Publishing.
3. Hadadi, Mahmoud, (1384), *translation buildings*, Tehran: Rahnama Publications.
4. Hosseini, Hassan, (1367), *Ahmad Matar, poet of Khanda Hai Talkh*, Tehran: Kayhan Farhangi Magazine, note 49
5. Khanlari, Perviz Natel, (1385), *poetry translation*, vol. 1, Tehran: Amir Kabir Insharat Institution.
6. Sojoudi, Farzan, (1387), *criticism translated by Didgah, critical analysis of Giftman, reading translation*, Shamara 6.
7. Sujudi, Farzan and Digran, (1390), *a review and criticism of Bain Zabani's translation and his translation of Bain Nashana Ai*.
8. Simpson, A. (1998), *Rosh Shanasi in translation criticism*, Jab Dom, Shamara 4.
9. Shuhouri, Rauf, (1987), *The Suicide Poet, Al-Watan Magazine*, Issue 29.
10. Kadkani, Muhammad Reza Shafi'i, (1380), *Contemporary Arab Poetry*, Part 1, Tehran: Insharat Sakhn.
11. Safwa, Cyrus, (1382), *the introduction of Jund Malak Dron Zabani in Criticism of his translation system (Barbarekhi az criterion Hai Diwar Biondi in Systematic)*, Pajoshi Zaban Khariji Magazine, Shamara 51.
12. Ghoneim, Kamal Ahmed, (1998), *Elements of Youth Creativity in Ahmed Matar's Poetry*, Egypt: Madbouly Library.

13. Gentzler, Edwin, (1380), *Hay's theory, translation in a modern era*, translated by: Ali Solh, vol. 1, Tehran: Hermes Insharat.
14. Moradi, Muqaddam, and Mostafa Kansouli, (1391), *The application of Wizgy Hai Matni and Faramatni in the context of quotation from the perspective of Mordi, arrogance and fanaticism*.
15. Matar, Ahmed, (1989), *Banners 2*, 1st Edition, London: Dar Al-Hikma.
16., (2008), *The Complete Poetical Works*, London: Dar Al Mohebbi.
17., (2001), *The Complete Poetical Works*, London: Dar Al-Hikma.
18. Marouf, Dr. Yahya, (1390), *Qur'anic criticism and poetry in the poetry of Ahmad Matar, the publications of Zaban and Arab Literature Magazine*, Danish Gah Razi, Shamara Charam.
19. Najafi, Abu Al-Hassan, (1361), *A question of safety in translation*, Mahnameh published Danish, Sal Som, Shamara